

## تحلیل رویکرد دولت نهم و دهم نسبت به جهانی‌شدن فرهنگ با استفاده از نظریه آشوب

سید زکریا محمودی رجا\* - سید جواد امام جمعه‌زاده\*\* - علی باقری دولت‌آبادی\*\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۳)

### چکیده

جهانی‌شدن فرهنگ که از سوی اندیشمندان و تحلیل‌گران علوم اجتماعی به‌عنوان پارادایم اصلی انتهای قرن بیستم و ابتدای قرن بیست‌ویکم مطرح است، از جنبه‌های گوناگون بررسی شده است. در یکسو عده‌ای با خوش‌بینی محض به آن نگاهی پروسه‌محورانه دارند که از ابتدای زندگی بشریت مطرح بوده و امروزه به‌واسطه مطرح‌شدن انقلاب انفورماتیک بیش‌ازپیش مطرح شده است؛ از این رو سرانجام آن را گسترش رفاه، پیشرفت، صلح، دموکراسی برای همگان می‌دانند؛ اما عده‌ای دیگر با تأکید بر گسترش روزافزون فقر، درگیری‌ها، انواع تبعیض‌ها و رشد جریان‌های افراطی در دوران حاکم‌شدن عقل‌گرایی و دموکراسی محوری، نگرشی پرورنده محور و بدبینی به این جریان دارند. سؤال اصلی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که رویکرد دولت احمدی‌نژاد نسبت به جهانی‌شدن فرهنگ چه بود و چه عواملی در بروز این رویکرد مؤثر بودند؟ برای این منظور از چارچوب نظری آشوب و روش توصیفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تفسیر دولت احمدی‌نژاد از نظام بین‌الملل، حرکت آن به سوی آشوب و بی‌نظمی است و این مسئله بیش از هر چیز به جهانی‌شدن فرهنگ بازمی‌گردد. بنابراین باید این روند را متوقف ساخت.

واژگان کلیدی: جهانی‌شدن فرهنگ، واگرایی، عدالت، روزنا، نظریه آشوب

s.z.mahmodi@gmail.com

javad@ase.ui.ac.ir

abagheri@yu.ac.ir

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

\*\* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

\*\*\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

## مقدمه

اگرچه از زمان طرح بحث جهانی شدن در مجامع علمی بیش از سه دهه می‌گذرد اما تأثیرات آن بر آینده جهان همچنان یکی از دغدغه‌های سیاستمداران و پژوهشگران باقی مانده است. بر همین اساس هر کدام از اندیشمندان و سیاستمداران سعی می‌کنند بر مبنای تبعیت از نوع نظام فکری که دارند به بررسی این پدیده بپردازند. از یکسو عده‌ای با تأکید بر تحولات و اثرات اساسی که این جریان بر زندگی بشریت بر جای گذاشته است، به آن نگرشی پروژه‌محورانه دارند که از بطن آن فرهنگ خاص سرمایه‌داری و مؤلفه اصلی آن یعنی مصرف‌گرایی و تجمل‌محوری بیرون خواهد آمد. از این رو نتیجه نهایی آن را همگرایی و همگونی همه‌ی فرهنگ‌ها، از بین رفتن هویت، ارزش‌های بومی - محلی در نظر می‌گیرند، در مقابل عده‌ای دیگر این جریان را دارای اتاق فکر و جهت‌دار نمی‌دانند؛ بلکه معتقدند مسیر تازه‌ای برای رقابت، حضور و مشارکت همه‌ی فرهنگ‌ها برای نشان دادن ظرفیت و پتانسیل خود ایجاد شده است که سرانجام دموکراسی، فقرزدایی، پیشرفت و توسعه برای همگان نهادینه می‌شود (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۶)؛ به عبارتی آن را یک فرایند تدریجی و پایدار در نظر گرفته‌اند که از گذشته دور شروع شده، ادامه دارد و روزه‌روز بر شتاب و گستره آن افزوده می‌شود (نش، ۱۳۸۹: ۷۷). در میان ایرانیان نیز هر دو دیدگاه طرفداران خاص خود را دارد و حتی این بحث به میان سیاستمداران نیز کشیده شده است. به نحوی که هر یک بر حسب جهت‌گیری فکری خود له یا علیه این جریان اقداماتی را انجام داده‌اند؛ اما گذشته از بعد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن که در ایران بیشتر بدان توجه شده، بعد فرهنگی کمتر مجالی برای بحث و تحلیل یافته است. به گونه‌ای که برای بسیاری از ایرانیان اتفاقاتی نظیر تأسیس سازمان ملل متحد، مطرح شدن مفهوم دهکده‌ی جهانی و نظم نوین جهانی، پایان جنگ سرد، اتحاد پولی کشورهای اروپایی، سازمان تجارت جهانی، رشد شرکت‌های چندملیتی (پورپاشا کاسین، ۱۳۸۶: ۲۱۰) به عنوان مصداق‌هایی شناخته شده از جهانی شدن محسوب می‌گردند؛ اما در مورد اینکه جهانی شدن فرهنگی چیست کمتر اجماعی وجود دارد. به همین خاطر زمانی که صحبت از جهانی شدن فرهنگ می‌شود در همان ابتدا مصادیق برجسته و فراگیری چون سی.ان.ان، مایکروسافت، آی بی ام، مایکل جکسون، کوکاکولا، مدونا و... به ذهن بسیاری از شنوندگان این واژه تداعی می‌گردد، لیکن مسئله بسیار عمیق‌تر و جدی‌تر است. برای اینکه در این پژوهش خود را درگیر بحث‌ها و مجادلات بر سر تعریف مورد اجماع همه که دست یافتن به آن سخت است نساویم از همین ابتدا اعلام می‌داریم که مقصود دولت نهم و دهم از واژه جهانی شدن فرهنگ عموماً حول سه بحث صورت گرفته است: گسترش تجدد غربی، گسترش و جهان‌گیر شدن فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری و در نهایت جهانی شدن فرهنگ آمریکایی (رضایی نبرد، ۱۳۹۱: ۱۵۵). ما نیز چون قصد بررسی رفتار دولت نهم

و دهم را داریم همین سه مسئله را به عنوان حداقل مصداق‌های جهانی شدن فرهنگی می‌پذیریم. پس از دانستن مقصود دولت نهم از جهانی شدن فرهنگی سؤالی که مطرح می‌گردد این است که این دولت چه رویکردی نسبت به جهانی شدن فرهنگی داشت و چه عواملی در بروز این رویکرد مؤثر بودند؟ در پاسخ باید گفت به نظر می‌رسد بر مبنای جهان‌بینی حاکم بر دولت احمدی‌نژاد، جهانی شدن فرهنگ باعث حاکمیت فرهنگ صرف مصرفی، تأمین منافع عده‌ای خاص و تعمیق هر چه بیشتر انواع تبعیض‌ها در زندگی بشریت گردیده است؛ از این رو اتخاذ سیاست تقابلی، مقاومت محور در برابر مناسبات ناعادلانه مبتنی بر قدرت و ثروت، مؤلفه‌ای حیاتی و کاربست جدیدی برای سامان زندگی بشریت بر پایه توجه به مشارکت و مدیریت همگانی، عدالت جهانی، حاکمیت مذهب و اخلاق‌مداری ضروری است. در انجام پژوهش حاضر از نظریه آشوب جیمز روزنا و روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است.

### چارچوب نظری: نظریه آشوب

در نیمه دوم قرن بیستم، در حوزه ریاضیات و فیزیک مدرن، روش علمی و تئوری جدید و بسیار جالبی به نام «آشوب» پا به عرصه ظهور گذاشت. این نظریه، مرتبط با سیستم‌هایی است که دینامیک آن‌ها در برابر تغییر مقادیر اولیه، رفتار بسیار حساسی نشان می‌دهد؛ به طوری که رفتارهای آینده آن‌ها دیگر قابل پیش‌بینی نمی‌باشد. به این سیستم‌ها، سیستم‌های آشوب گفته می‌شود که از سیستم‌های غیرخطی دینامیک هستند و بهترین مثال برای آن‌ها، جریانات هوایی و دوره اقتصادی است. تئوری آشوب دینامیک مسائل بسیار پیچیده‌ای مانند اتمسفر زمین، جمعیت حیوانات، جریان مایعات، تپش قلب انسان، فرآیندهای زمین‌شناسی و ... را مورد بررسی قرار می‌دهد.

انگاره اصلی و کلیدی تئوری آشوب این است که در هر بی‌نظمی، نظمی نهفته است. به این معنا که نباید نظم را تنها در یک مقیاس جستجو کرد. هنگامی یک سیستم را غیرقابل پیش‌بینی (نامنظم) می‌نامند که تعیین جایگاه بعدی آن غیرممکن باشد و هیچ‌گونه امکان پیش‌بینی در مورد آن وجود نداشته باشد. چنین سیستمی، هرگز دو بار در یک مکان فرود نمی‌آید؛ اما طبق نظریه آشوب اگر ما چنین سیستمی را برای مدت کافی تحت نظر قرار دهیم، با بررسی حالات سیستم در لحظات گوناگون زمان، متوجه می‌شویم که سیستم مذکور همواره نظم ذاتی خود را به نمایش می‌گذارد. حتی غیرقابل پیش‌بینی‌ترین (آشفته‌ترین) سیستم‌ها نیز همواره در محدوده مرزهای معینی حرکت می‌کنند و هرگز از آن خارج نمی‌شوند، پدیده‌ای که در مقیاس محلی، کاملاً تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد چه بسا در مقیاس بزرگ‌تر، کاملاً پایا و قابل پیش‌بینی باشد (ادگار، ۱۳۸۸: ۲۱). نظریه آشوب مبتنی بر ویژگی‌هایی است که به قرار زیر می‌باشد:

### اثر پروانه‌ای<sup>۱</sup>

دکتر لورنز در سال ۱۹۷۳ در محاسبات دستگاه معادلات دیفرانسیل به این نتیجه رسید که یک تغییر جزئی در شرایط اولیه معادلات پیش‌بینی کننده، منجر به نوسانات عظیمی در پاسخ سیستم و تغییرات شدید در نتایج حاصل از آن می‌شود این مسئله سنگ بنای تئوری آشوب گردید (الوانی، ۱۳۷۸: ۸).

### خودسازمانی<sup>۲</sup>

در محیط در حال تغییر امروزی، سازمان سیستم‌های بی‌نظم در ارتباط با محیط اطرافشان مانند موجودات زنده عمل می‌کنند و خود را با محیط تطبیق می‌دهند؛ بنابراین سیستم‌های بی‌نظم برای حفظ پویایی نیاز به تغییرات اساسی درونی دارد. این تغییرات به‌جای سازگاری و تطبیق با محیط، موجب سازگاری پویا می‌شود که نتیجه آن دگرگونی روابط پایدار، الگوهای رفتاری و نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها و فرهنگ‌هاست (استیسی، ۱۹۹۸: ۴).

### خودمانایی<sup>۳</sup>

بدین گونه که هر جزئی در تئوری آشوب و معادلات عملیات آن نوعی شباهت بین اجزا و کل قابل تشخیص است. هر جزء از سیستم دارای ویژگی کل بوده و مشابه آن است. سیستم توانایی یادگیری را دارد، سیستم دارای توانایی خودسازمان‌دهی است، حتی اگر قسمت‌هایی از سیستم برداشته شود سیستم به‌راحتی می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. این خاصیت می‌تواند در رفتارهای اعضای سازمان نیز نوعی وحدت ایجاد کند به گونه‌ای که همه اعضا به یک سو و یک جهت و هدف واحد نظر دارند (الوانی، ۱۳۷۸: ۱۱).

### جاذبه‌های عجیب<sup>۴</sup>

جاذبه‌های نقطه‌ای و دوره‌ای، پایه‌های فیزیکی نیوتنی کلاسیک است که بیانگر الگوی نظم و یا ثبات در حرکت پدیده‌ها و روابط آن‌هاست مانند حرکت دادن یک مداد روی کاغذ حول محور خودش به شعاع یکسان که منجر به رسم دایره‌ای با شعاع مشخص خواهد شد. غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتار در جاذبه‌های عجیب تابع دو پدیده است: اولی مربوط به حساسیت نسبت به شرایط اولیه است که لورنز آن را اثر پروانه‌ای نامید. دوم اینکه تغییرات شدید رفتارهای نامنظم و دگرگونی‌های

1. Butterfly Effect
2. Dynamic Adaptation
3. Self\_similarity
4. Strang Attractors

غیرقابل پیش‌بینی حرکات، همه در درون خود نظم‌ی نهفته دارند. تغییرات شدید، رفتارهای نامنظم، دگرگونی‌های غیرقابل پیش‌بینی، حرکت‌های بحرانی همگی به الگویی ختم خواهد شد که یافتن آن هنر مدیریت سازمان است تا بتواند توسط آن نوعی پیش‌بینی را میسر سازد. در این آشوب‌ها، جاذبه‌ها به مدیران این امکان را می‌دهد که به الگوهایی دست یابند که به بی‌نظمی‌ها نظم داده و قالبی منظم برقرار سازند. مدیریت آینده نیازمند یافتن جاذبه‌های غریبی است که این نظم‌غایی را آشکار سازد.

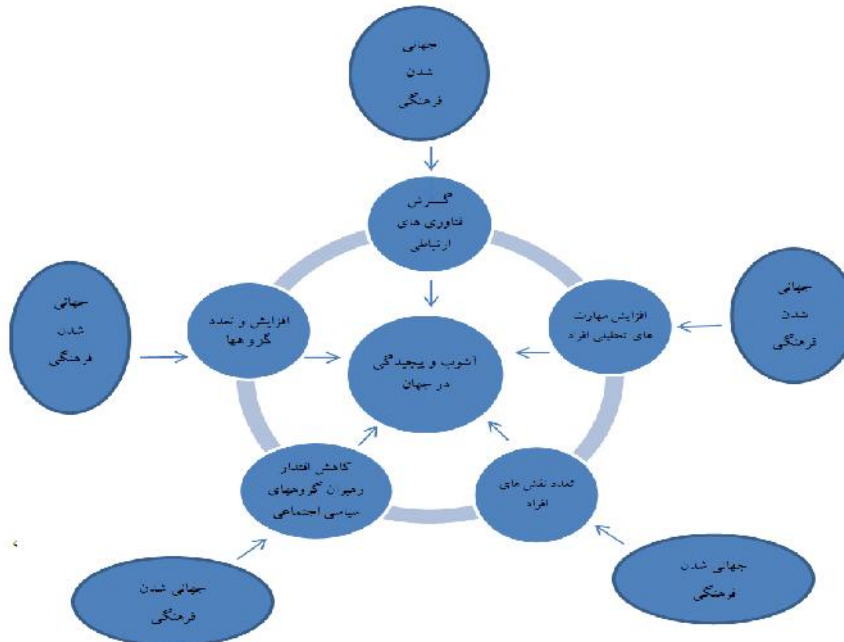
جیمز روزنا از جمله نظریه‌پردازان تئوری آشوب در حوزه سیاسی است. وی معتقد است آنچه به‌عنوان ساختار جهانی شدن در حال شکل‌گیری است، ارتباط میان گروه‌های همگرا یا مرکز زا و گروه‌های چندمرکزی و واگرا است؛ به عبارتی جهانی شدن فقط سبب همگونی و یکسان کردن زندگی افراد در یک‌جهت خاص نمی‌شود بلکه زمینه را برای حضور و نشوونمای خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های مرکز‌گیز فراهم کرده است (روزنا، ۱۳۸۴: ۲۶ - ۲۹). در یک نگاه کلی عوامل اصلی اتخاذ سیاست‌های واهمگرایی دولت‌ها و سیاستمداران از نظر وی در موارد زیر خلاصه شده است:

(۱) گذر از نظم صنعتی به نظم پسا صنعتی و مطرح شدن فناوری‌های انقلاب میکروالکترونیک که سبب کوتاه‌تر شدن هرچه بیشتر پویش‌های رفتاری، فواصل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، جابه‌جایی اندیشه‌ها شده است و در نهایت وابستگی متقابل و واهمگرایی مردم و دولت‌ها را میسر کرده است (Rosenau, 1990: 47- 49).

(۲) ظهور و احیای مفاهیم و موارد جهانی و بین‌المللی چون: آلودگی جو، تروریسم، تجارت مواد مخدر، بحران‌های اقتصادی، مفاهیم و بیماری‌های جهانی چون: ایدز، حقوق بشر و... (برچر ۱۳۸۲: ۱۲ - ۱۵).

(۳) از دست رفتن وفاق اجتماعی، خیزش‌های انقلابی و مردمی، ستیز نسل‌ها، افزایش بیش‌ازحد تبعیض و بی‌عدالتی‌ها در سطح جهان، بحران‌های خشک‌سالی و سایر نابهنجاری‌های طبیعی، اجتماعی - سیاسی موجود در وضعیت فعلی جهان (روزنا، ۱۳۸۴: ۳۴۰ - ۳۴۲). موارد ذکر شده منجر به افزایش آگاهی تحلیلی، مهارت و سمت‌گیری مردم کوچه و بازار و افراد بالغ جهان در قبال تمام مسائل گردیده و این تفکر را حاکم کرده است که دیگر افراد، گروه‌ها و دولت‌ها نمی‌توانند آن‌ها را بازیچه دست خود کنند. از این‌رو در جهان چندمرکزی و واگرا از آنجایی که اینان مناسبات حاکم بر نظام جهانی را ناعادلانه و تبعیض‌آمیز و شرایط حاکم بر جهان را آناارشی و هرج‌ومرج می‌پندارند، در درجه اول تلاش می‌کنند از طریق تشکیل ائتلاف و گروه‌های متعدد به این ساختار و اقتدار جهانی حاکم پایان دهند؛ از سوی دیگر معتقدند در مقابل زور و جریان حاکم ناعادلانه، روابط مسالمت‌آمیز، گفت‌وگو و تعامل کارایی ندارد؛ بنابراین به رویه و هنجارهای حاکم آن‌طور که باید و شاید پایبند نیستند. از این‌رو ضرورت تغییرات ساختاری و

بنیادین وضع موجود را رسالت حقیقی خود می‌دانند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۹۰ - ۱۸۷). روزنا برای تبیین نظام آشوب از مفاهیمی چون گسترش فناوری‌های ارتباطات، تغییر در مهارت‌های تحلیلی افراد، افزایش و تعدد گروه‌ها، کاهش اقتدار رهبران گروه‌های سیاسی - اجتماعی و تعدد نقش‌های افراد، استفاده می‌کند از نظر وی کنش و واکنش این متغیرها در تعامل باهم موجب شکل‌گیری نظمی در درون بی‌نظمی در جهان کنونی می‌شود در واقع با برشمردن این عوامل پارامترهای مؤثر در شکل‌گیری سیستم سیاسی پیچیده و آشوبناک را مطرح می‌کند، عواملی که جمع‌شدن آن‌ها به ساختار آشوب منتهی می‌شود (روزنا، ۱۳۸۴: ۱۲). البته روزنا معتقد است تعامل این عوامل در کنار هم باعث می‌گردد تا در نهایت شاهد نظمی در درون بی‌نظمی در جهان کنونی باشیم. در این پژوهش ما با کاربرست مفاهیم موردنظر روزنا برای دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد نشان خواهیم داد این دولت آینده جهان را به سمت آشوب و بی‌نظمی می‌بیند که تنها با ظهور موعود نظم حقیقی را تجربه خواهد کرد. لذا طبق تفسیر دولت نهم جهانی شدن فرهنگ با تأثیرات پنج‌گانه خود - که از سوی روزنا شناسایی شده است - در حال سوق داده جهان به سوی بی‌نظمی و آشوب است. این آشوب حداقل نظم لازم برای باقی ماندن جهان برای ظهور منجی را در خود دارد اما به میزانی نیست که بتواند به سامان بخشیدن امور و برقراری عدالت کمک نماید.



### اثر پروانه‌ای و آینده جهان در پرتو جهانی‌شدن فرهنگ

اگرچه در مباحث جیمز روزنا اشاره‌ای به مفهوم اثر پروانه‌ای نشده است اما همان‌گونه که اشاره نمودیم در اصل این نظریه و دیدگاه‌های لورنز، این بحث مطرح شده است. پروان اصل اثر پروانه‌ای معتقدند «ممکن است در اثر بال زدن یک پروانه در برزیل در پکن طوفانی برپا شود»؛ یعنی هر تغییری در جهان هرچند کوچک و کم‌اهمیت ممکن است اثری بزرگ بر جای گذارد. آنچه در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که در جهانی‌شدن فرهنگی در حقیقت تمامی شهروندان جهانی به‌نوعی در سرنوشت خود به یکدیگر گره می‌خورند بنابراین تحولات جهان جدا از یکدیگر نیست. دیدگاه‌های اسلامی به‌ویژه دولت نهم و دهم نشان می‌دهد آن‌ها به کارایی چنین اصلی ایمان داشته، معتقدند با ظهور منجی موعود در شهر مکه کل جهان دستخوش تغییر خواهد شد. نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به یک‌باره تغییر خواهد کرد و جهان طبق وعده الهی پر از عدل و داد خواهد شد؛ اما اثر پروانه‌ای شرط لازم و نه شرط کافی برای بروز تغییرات بزرگ است و قبل از وقوع تغییرات بزرگ مجموعه‌ای از دگرگونی‌ها باید رخ دهد که طبق نظریه آشوب در بحث‌های جیمز روزنا از طریق عوامل پنج‌گانه ذیل صورت می‌گیرد:

#### گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی

بحث فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی تقریباً در اواسط دهه‌ی ۷۰ میلادی به بعد مطرح شد. به‌طوری‌که برخی از وقوع انقلاب انفورماتیک به‌عنوان سومین انقلاب در زندگی بشریت یاد کردند. در پرتو این فناوری‌ها آرمان جهان‌گستری که قبلاً ادیان، تمدن‌ها، دولت‌ها داشتند، نه به‌واسطه‌ی زور و لشکرکشی بلکه به‌واسطه‌ی قدرت نرم، افزایش آگاهی و اطلاعاتی و محدودیت کنترل دولت‌ها بر مرزهای ملی خود ناشی از فشردگی زمان و مکان، به‌راحتی امکان وقوع می‌یافت (سینایی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۹۶). به عقیده روزنا گذر از نظم صنعتی به نظم پسا صنعتی و مطرح‌شدن فناوری‌های انقلاب میکروالکترونیک سبب کوتاه‌تر شدن هرچه بیشتر پویش‌های رفتاری، فواصل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، جابه‌جایی اندیشه‌ها شده است و در نهایت وابستگی متقابل و همگرایی مردم و دولت‌ها را میسر کرده است (Rosenau, 1990: 47-49). در چنین عصری مردم به هر شکل که خود تشخیص دهند امور خود را سامان می‌دهند و اهدافشان را پیگیری می‌کنند (روزنا، ۱۳۸۴: ۳۸). این حالت دقیقاً برای دولت‌ها نیز اتفاق می‌افتد. دولتهایی که از نظم موجود در نظام بین‌الملل راضی نیستند، نظم مطلوب خود را پیگیری می‌کنند؛ این حرکت‌ها ممکن است از سوی سایر بازیگران تلاش برای تغییر وضع موجود یا ایجاد بی‌نظمی در امور جهان تلقی

گردد اما طبق نظریه آشوب این اقدامات خود دربردارنده نظم در جهان آشوب‌زده است. یکی از جریاناتی که از دل همین تحولات در مقابل جریان حاکم بر جهان سر برآورد، رویکرد واگرا یا مرکز‌گریز است. طرفداران این نگرش بر این اعتقادند که مسئله جهانی‌شدن یک پروژه هدایت‌شده‌ای است که هدف آن مشروعیت بخشیدن به سلطه اهریمنی در قالب جهانی‌سازی است. جهانی‌شدن چیزی نیست جز رقابت بی‌قیدوشرط در سطح جهانی، که برای کشورهای دارا، درآمد بیشتر و برای کشورهای تهی‌دست به‌ویژه کشورهای جهان سوم، فقر بیشتری به ارمغان می‌آورد (مگداف و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۷)؛ بر همین اساس این جریان را مساوی با غلبه و هژمون فرهنگ سلطه محور غرب خصوصاً آمریکا می‌دانند که سعی می‌کند از طریق ابزارها، هنجارها، قوانین گوناگون به همگن‌سازی سبک زندگی و فرهنگ دیگر جوامع در راستای گسترش فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری دست یابد. ریتزر از جمله معتقدان به این اندیشه است که جهانی‌شدن فرهنگ را معادل مک دونالدیزه شدن و بطن‌نهایی جهانی‌شدن فرهنگ را تداوم استعمار نو به شیوه‌ای نوین می‌داند که از طریق تعمیم ارزش‌های لیبرال - دموکراسی پی‌گیری می‌شود (به نقل از مسعودنیا، ۱۳۸۹: ۲۲۸ یا ۳۲)؛ بنابراین در مقابل این جریان سلطه‌گر و استعماری تنها راه تداوم، تقویت، حفظ و حمایت از فرهنگ و هویت خود، مقاومت و ایستادگی فرهنگی است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۳). گروه‌های واگرا از آن جهت که وضع حاکم را نامطلوب می‌دانند، از یکسو ساختارهای حاکم بر جهان به‌ویژه از لحاظ اخلاقی و فرهنگی را زیر سؤال می‌برند و هرگونه تعامل و مصالحه با این جریان را معادل تسلیم و ذلت در نظر می‌گیرند و دشمنان خود را معمولاً دشمنان خدا، اخلاق، حقیقت و انسانیت می‌دانند و از سوی دیگر رسالت و نقطه عزیمت خود را بازسازی مفاهیم استقلال، هویت، نظم اجتماعی، نهاد خانواده و در یک کلام احیای فطرت خدا گونه‌ی انسان‌ها و تحقق جامعه‌ای اخلاق محور، دین‌مدار می‌دانند که از طریق آموزه‌های تجدد به کلی از بین رفته‌اند (Castells, 1997: 24)؛ بنابراین اعتبار و ارزش چندانی نسبت به مؤلفه‌هایی چون: دموکراسی، حقوق بشر، پلورالیسم، تعامل و.. قائل نیستند چراکه این‌ها را در ظاهر واژگانی زیبا ولی در باطن چیزی جز تأمین منابع سلطه کشورهای استعماری نمی‌بینند (Rabetersoon, 1992: 88, 89). برای به چالش کشیده این مؤلفه‌ها، دولت‌های واگرا از تمامی ابزارهای فناوری اطلاعاتی و ارتباطی بهره می‌گیرند. دولت محمود احمدی‌نژاد یکی از مصداق‌های بارز مقابله با جهانی‌شدن فرهنگی است که اگرچه به جهانی‌شدن فرهنگی و گسترش فناوری‌های ارتباطی نقد دارد اما بهره زیادی از این ابزارها می‌برد. دو مصداق برجسته بهره‌گیری این دولت از این فناوری‌ها را در سخنرانی و سفرهای متعدد به کشورهای آمریکای لاتین توسط ایشان باید سراغ گرفت. در واقع تمامی سخنرانی‌های احمدی‌نژاد به نوعی جنجالی و با حاشیه توأم بودند. این سخنان که جذابیت بسیاری برای رسانه‌ها داشت خیلی



زود در سراسر جهان گسترش می‌یافت و از طریق دولت پیام خویش را منتقل می‌ساخت؛ اما این تنها تریبون سازمان ملل و سخنرانی در آنجا نبود که به معرفی دیدگاه‌های دولت مبنی بر نزدیک بودن ظهور منجی یاری می‌رساند. احمدی‌نژاد در دیگر سازمان‌های منطقه‌ای، محافل علمی - عمومی، در جمع نخبگان دانشگاهی نیز به ایراد سخنرانی می‌پرداخت. یکی از تأثیرگذارترین سخنرانی‌های وی که به «دیپلماسی کلمبیا» معروف گردید، سخنرانی در دانشگاه کلمبیا بود به طوری که وی در آنجا به اقناع مستقیم مخاطبان، تأثیرگذاری مستقیم و غیره مستقیم بر افکار عمومی جهان از طریق ترویج گفتمان انقلاب اسلامی بر پایه‌ی اصول‌گرایی پرداخت (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۲۰۲ - ۲۰۴)، دیگر سخنرانی تأثیرگذار احمدی‌نژاد سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی سازمان ملل علیه نژادپرستی در دوربان ۲ در ۲۰ آوریل ۲۰۰۹ در ژنو بود که در این سخنرانی به نقد اعمال و کردار اسرائیل با عناوینی چون: «پرچم‌دار نژادپرستی»، «بی‌رحم‌ترین رژیم» پرداخت (دهشیری، ۱۳۹۰: ۵۴).

در بحث سفرهای خارجی نیز باید اشاره کرد طی چهار سال اول احمدی‌نژاد بالغ بر ۶۰ سفر خارجی انجام شد. او برای اولین بار در این دوران دیدار به صورت چهره به چهره با مردم مختلف جهان و گفت‌وگو را باب کرد. شاید در دولت‌های قبلی هم این رویه وجود داشت؛ اما این بار به شکل و شمایلی متفاوت مطرح گردید؛ چنانچه برخلاف دولت خاتمی که مقصد سفرهای خود را به اروپا قرار داده بود، در این دوران بر مبنای اعتقادی احمدی‌نژاد مبنی بر اینکه اینان، خود سران ظلم و ایجادکننده‌ی نظام سلطه‌اند، اکثر سفرهای خود را به کشورهای آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین و... قرارداد (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱: ۸۷). او در تمامی این دیدارها بر مبارزه با ظلم، تلاش برای برقراری عدالت، مهرورزی بین انسان‌ها و تشکیل جبهه ضد استکباری پای می‌فشرد. وی درعین حال که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی را ابزار سلطه غرب بر سایر بخش‌های جهان می‌دانست تا فرهنگی واحد را برای جهان رقم زنند اما به‌نوعی خود از این ابزار برای پیشبرد رسالت دولت استفاده می‌کرد تا نشان دهد این بی‌نظمی‌ها مانع نظم کلی جهان که حرکت به سوی ظهور منجی موعود است نمی‌گردد. طبق تحلیل‌های دولت این شرایط دقیقاً همان جاذبه‌های عجیبی بود که لورنز در نظریه آشوب از آن نام می‌برد و در درون آن نظمی خفته بود. واهمگرایی اشاره‌شده روزنا در عصر جهانی شدن مصداق بارزی از این شرایط بود که برای احمدی‌نژاد معنایی جز نشان نزدیک بودن ظهور نداشت.

#### افزایش مهارت‌های تحلیلی افراد

یکی از تأثیراتی که گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر افراد یک جامعه و به دنبال

آن دولت‌ها برجای می‌گذارد افزایش مهارت‌های تحلیلی است. امروزه انحصار اطلاعات و اخبار در دست دولت‌ها نیست رسانه‌های مختلف برای انتقال اطلاعات و اخبار شکل گرفته است؛ بنابراین دولت‌ها حاکم مطلق بر فضای اطلاع‌رسانی نیستند. کوچک‌ترین رخدادی در هر گوشه از جهان در کوتاه‌ترین زمان ممکن به اطلاع سایر ساکنین کره زمین خواهد رسید. این افزایش اطلاعات موجب می‌گردد تا همچون گذشته دولت‌ها در جهل و بی‌خبری از سرنوشت سایر ملت‌ها به سر نبرند. آن‌ها از تجربیات یکدیگر بهره گرفته و این کار شرایط را برای قدرت‌های جهانی که در گذشته از این جهل برای سلطه بر جهان سوم استفاده می‌نمودند سخت کرده است. امروزه ما شاهد ظهور و احیای مفاهیم و موارد جهانی و بین‌المللی چون آلودگی جو، تروریسم، تجارت مواد مخدر، بحران‌های اقتصادی، بیماری‌های جهانی چون ایدز و... هستیم (برچر ۱۳۸۲: ۱۲ - ۱۵). همه این موارد در تیررس تحلیل دولت‌ها قرار دارد و آن‌ها به دنبال عاملین وقوع آن می‌گردند. برای آن دسته از دولت‌ها که چون ایران جهانی شدن را یک پروژه می‌دانند مقصر این مسائل قدرت‌های بزرگ و استعمارگر دانسته می‌شود. به همین خاطر رویکرد واگرایانه نسبت به جهانی شدن در پیش می‌گیرند. به اعتقاد اکثر تحلیل‌گران در روی کار آمدن تفکرات و اندیشه‌های واگرایانه دولت احمدی‌نژاد و شکل‌گیری تحلیل خاص وی از وقایع رخدادهای تاریخی در منطقه بسیار تأثیرگذار بوده است. در این دوران منطقه مهم خاورمیانه به خاطر حوادث حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله به برج‌های دوقلو در نیویورک، حمله به افغانستان و عراق، جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله، جنگ‌های ۲۲ و ۸ روزه حماس علیه اسرائیل، بهار عربی، مسئله هسته‌ای ایران و... بیش‌ازپیش در افکار عمومی جهان مطرح‌تر شده بود. وقوع حادثه‌ی نادر ۱۱ سپتامبر در نیویورک را شاید سرآغاز اتخاذ سیاست‌های واگرایی و واکنشی در مقابل جریان حاکم در جهان در داخل ایران، منطقه و جهان دانست؛ زمانی که ایران این عمل تروریستی را به شدت محکوم کرد و حتی اعلام کرد که حاضر به هر نوع همکاری جهت مقابله، دستگیری این گروه، محاکمه و مجازات آن‌هاست، دولت آمریکا ایران را در کنار سوریه، کره‌ی شمالی و عراق به‌عنوان محور شرارت، پرورش‌دهنده و حامی اصلی گروه‌های تروریستی و افراطی در افکار عمومی جهان مطرح کرد. این رویکرد نقش مهمی در شکل‌گیری تفکر منتقدین دولت اصلاحات مبنی بر واگرایی داشت (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۶۵ - ۱۶۸). آن‌ها تلاش نمودند تا از فضای در اختیار خود برای شکستن گفتمان هژمونی شکل‌گرفته از سوی قدرت‌های بزرگ استفاده نمایند. آن‌ها سعی می‌کنند تحلیل‌های جدیدی از رخدادها ارائه کنند که با تحلیل حاکم و هژمون متفاوت باشد. نمونه این تحلیل‌های جدید را در دو موضوع هولوکاست و ۱۱ سپتامبر و تفسیر دولت احمدی‌نژاد از آن‌ها می‌توان سراغ گرفت:

## هولوکاست

هولوکاست در لغت به معنی سوزاندن با آتش است به طور کامل از بین برود که از واژه‌ی یونانی (holos) به معنی تمام و (kalein) به معنای سوزاندن است و در اصطلاح به حرکت و جریانی گفته می‌شود که در جنگ جهانی دوم بیش از شش میلیون یهودی به دست هیتلر در کوره‌های آدم سوزی، سوزانده شدند که بیش‌ترین ظلم و ستم در تاریخ به یک قوم محسوب می‌شود (مولانا و محمدی ۱۳۸۷: ۱۵۸ - ۱۵۹)؛ همین جمله‌ی دوخطی یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها میان ایران و غرب در دوران احمدی‌نژاد بود. احمدی‌نژاد در جریان سخنرانی خود در آمریکا در پاسخ به سؤال یک دختر دانشجو که از وی درباره هولوکاست پرسید، گفت: «من ابتدا حاکم شدن دو جنگ خانمان‌سوز اول و دوم جهانی را که سبب کشته‌شدن بیش از ۹۰ میلیون نفر در جهان گردید بزرگ‌ترین خیانت به بشریت می‌دانم و برای همه کسانی که در این جنگ کشته شدند چه مسیحی، یهودی و... بسیار متأسفم؛ ابتدا عرض کنم که این جریان را نه رد می‌کنم و نه تأیید؛ برای من به‌عنوان یک انسان سؤالی پیش می‌آید که اگر چنین حادثه‌ای اتفاق افتاده، در کشورهای مهد دموکراسی چرا اجازه نمی‌دهند تحقیقاتی به صورت گسترده در این رابطه انجام گیرد؟ سؤال دوم: به فرض حادث شدن چنین جریانی در کجا اتفاق افتاد؟ جنگ در اروپا بود یا در فلسطین؟ مردم فلسطین چه گناهی کردند؟ این‌ها سؤالاتی بود که برای من پیش آمده و باید روشن و شفاف شود» (سخنرانی و پرسش و پاسخ با دانشجویان دانشگاه آمریکا (نیویورک ۸۷/۷/۳). به اعتقاد احمدی‌نژاد این حادثه باعث ایجاد یک ادبیات و قوانین خاص به‌عنوان دستاویز و ابزار توجیه آمیز برای ایجاد پایگاه نظامی، تهدید، جنگ، خشونت، ترور، ناامن شدن منطقه و اجحاف دائمی بر ملت‌های منطقه و ضامن دوام و قوام سلطه‌ی منافع محوران گردیده است؛ به‌طوری که کشورهای منطقه سالیانه ده‌ها میلیارد از ذخایری که باید صرف پیشرفت، توسعه، رفاه و عمران کشور خودشان می‌کردند، صرف خرید تسلیحات برای امنیت خود در برابر تهدید جنگ در منطقه می‌کنند (مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۹: ۱۱۶ - ۱۱۴) در حقیقت احمدی‌نژاد از فرصت ایجادشده برای دسترسی به مخاطبان آمریکایی استفاده نمود تا انحصار تولید خبر، تحلیل و اطلاعات را بشکند و آن‌ها را با تفسیر تازه‌ای از رخدادهای جهان مواجه سازد. این شرایط به مدد آنچه روزنا در «عصر آشوب‌زده» آن را افزایش مهارت تحلیلی افراد می‌خواند حاصل شد. جهانی شدن فرهنگی اگرچه برای دولت نهم و دهم نامطلوب است اما از این زاویه که عرصه را برای پیوند زدن آن‌ها با مخاطبین جهانی و آمادگی ذهنی برای بسترسازی ظهور منجی فراهم می‌سازد مطلوب است.

### مبارزه با تروریسم و حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر

حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر و حمله به برج‌های دوقلو توسط گروه القاعده در واقع نقطه‌ی عطفی در تغییر و تحولات جهان پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی گردید که چالش اساسی میان جهان اسلام و دنیای غرب خصوصاً آمریکا را شکل داد؛ از این رو اغلب تحلیل‌گران و اندیشمندان در پی این هستند که علت و مسبب اصلی این حادثه مشخص شوند. به اعتقاد احمدی‌نژاد پس از فروپاشی شوروی و پایان یافت نبردهای ایدئولوژیک، ارتش و نهادهای نظامی چون ناتو که با هزینه‌های گزاف جهت مقابله با شوروی ایجاد شده بودند، دیگر دلیلی عقلانی و امکانی برای حضور و تداوم آن نبود؛ لذا به نظر می‌رسد بر مبنای یک طرح سازماندهی شده جهت تداوم و چه‌بسا پویایی بیشتر این نهاد، مفهومی تحت عنوان تروریسم در افکار عمومی جهان مطرح گردید (مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۱۶۵ - ۱۶۴) از سوی دیگر زمینه‌ساز دخالت و ماجراجویی آشکار و پنهانی آمریکا و دیگر کشورهای سلطه‌طلب برای استعمار و دخالت و تجاوز مشروع به دیگر مناطق جهان برای به دست آوردن منابع طبیعی - انسانی این کشورها به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم را مهیا کرد. بر همین مبنای همواره در سخنان احمدی‌نژاد در محافل داخلی و بین‌المللی بر واشکافی، تبیین و تحلیل دقیق این حادثه از سوی اندیشمندان و تحلیل‌گران بی‌طرف تأکید فراوان داشته‌اند.

وی در مصاحبه با خبرنگار آسوشیتدپرس درباره زیر سؤال بردن این حادثه و اینکه شما آن را سازماندهی شده می‌دانید گفت «در رابطه با حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر چند سؤال اساسی نه تنها در ذهن من بلکه در اذهان مردم، تحلیل‌گران جهانی به‌عنوان یک معمای پیچیده نقش بسته مبنی بر اینکه عوامل حادثه‌ی تلخ ۱۱ سپتامبر چه کسانی هستند؟ چرا یک کمیته‌ی حقیقت‌یاب جهت بررسی، شناسایی و مجازات عوامل اصلی تشکیل نمی‌گردد؟ چرا رهبر اصلی این جریان که متهم حمله به برج‌های دوقلو بوده است را از بین بردند و جسد وی را به دریا انداختند در حالی که می‌توانستند او را دستگیر کنند و در یک فضای عمومی و جهانی از وی درباره‌ی چرایی انجام این کار، اهداف، دلایل، همدستان وی و سایر موارد که عاقلانه‌ترین کار بود و به روشنگری افکار عمومی جهان کمک شایانی می‌گردد، صرف نظر کردند؟» (مصاحبه با مدیران ارشد آسوشیتدپرس ۹۰/۷/۱). از آنجایی که امروزه آمریکا قوی‌ترین وسایل ارتباط‌جمعی، سیستم‌های اطلاعاتی - امنیتی و وسایل نظامی در جهان را دارد، چطور عقل سلیم می‌تواند باور کند که دو هواپیما به همین راحتی در مرکز نیویورک به یکی از سازمان‌های مهم جهانی حمله کند ولی هیچ واکنشی از سوی سیستم راداری، نظامی آمریکا نباشیم؟ نهایتاً معتقدم که باید عاملین این حادثه شناسایی، محاکمه و مجازات گردند (مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست

جمهوری، ۱۳۹۰: ۱۱۷ - ۱۱۸). سخنان فوق به خوبی نشان می‌دهد که جهانی شدن فرهنگی چگونه به افزایش قدرت تحلیل افراد در جهان کمک نموده و دیدگاه‌هایی امروزه مطرح می‌گردد که در گذشته کمتر مصادیقی برای آن می‌توانیم پیدا نماییم. لذا در فضای جدید جهانی شدن فرهنگی به مدد افزایش قدرت تحلیلی افراد، دولت‌های واگرا سعی می‌کنند ادبیات خویش را تبدیل به ادبیات جهانی ساخته و سایرین را نسبت به جریان یک‌سویه اطلاع‌رسانی هوشیار سازند. گذشته از این مسئله تفسیر احمدی‌نژاد از ۱۱ سپتامبر نشان می‌دهد که هر اتفاق ظاهراً طبیعی در این جهان بی‌ارتباط با تغییرات حاصله در کل نظام نیست و این سیستم است که طبق اصل خودسازمانی برای حفظ نظم ذاتی خود در شرایط آشوبناک پیوسته تغییرات تازه‌ای را تجربه می‌کند.

#### افزایش و تعدد گروه‌ها

یکی از مصداق‌های بروز جهان آشوب‌زده از نگاه روزنا افزایش و تعدد گروه‌های سیاسی است. این گروه‌ها در بستر جهانی شدن رشد نمودند و همچنان در حال تکثیر هستند. آنچه به شکل‌گیری این گروه‌ها کمک می‌کند فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و یافتن همدیگر در سراسر نقاط جهان است. به‌عنوان مثال اگر در گذشته گروه‌های تروریستی از یک جغرافیای خاص سر برمی‌آوردند امروز شاهد آن هستیم که با یک فراخوان داعش شهروندانی از سراسر کره زمین همدیگر را یافته و در نقطه‌ای دورهم جمع می‌شوند. شاید دولت‌هایی که این شهروندان از آن‌ها خارج و به داعش می‌پیوندند بتوانند بازگشت آن‌ها را با مشکل مواجه کنند اما نمی‌توانند مانع پیوستن اعضای جدید به آن‌ها گردند و حتی به راحتی نمی‌توانند همفکران آن‌ها را در جامعه خود شناسایی کنند. در جهان آشوب‌زده موردنظر روزنا این گروه‌ها پیوسته در حال زایش هستند و اگرچه ممکن است در ظاهر مشابهت‌هایی داشته باشند اما پیوسته از دل آن‌ها گروه‌های تازه‌ای به وجود می‌آیند جیش الاسلام، احرار الشام، جبهه النصره و... مصداقی از ظهور چنین گروه‌هایی است که حتی همدیگر را نیز تحمل نکرده و گاه درگیر جنگ با یکدیگر می‌گردند. در چنین محیطی که در داخل کشورها پیوسته گروه‌های گریز از مرکز تازه‌ای شکل می‌گیرند در عرصه جهانی نیز دولت‌هایی ظهور می‌کنند که از جهانی شدن فرهنگ و پیامدهای آن راضی نیستند. این دولت‌ها که گاه شکل گروه به خود گرفته و تشکیل یک جبهه فکری می‌دهند، دستور کار خاص خود را پیش برده از نظم حاکم بر جهان متابعت نمی‌نمایند. ایران دوره احمدی‌نژاد مثال بارز این قضیه است. در این دوره ایران به حلقه کشورهای امریکای لاتین که با موج پیروزی چپ‌گراها در این کشورها یک‌بار دیگر به اندیشه‌های ضد سرمایه‌داری روی آورده بودند نزدیک و جبهه

جدیدی برای استکبارستیزی تشکیل داد. از منظر رئیس دولت نهم و دهم، جهانی شدن فرهنگ بیشتر ماهیتی امپریالیستی و پروژه محورانه دارد چراکه واقعیت آن گسترش فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری است تا فراهم شدن بستر برای شکوفایی توانایی و ظرفیت‌های همه‌ی فرهنگ‌ها. از این رو با رویکردی انتقادی معتقدند «می‌بایست سبک مدیریتی جدیدی برای سامان زندگی بشریت در قالب عدالت‌محوری، اصلاح و تغییر مدیریت در عرصه‌ی داخلی و خارجی بر مبنای مشارکت و مدیریت همگانی، اخلاق و معنویت‌گرایی و دیپلماسی عمومی به‌عنوان بهترین آلترناتیو ممکن برای تأمین امنیت و ثبات واقعی در زندگی بشریت در دستور کار قرار گیرد؛ چراکه با وارد کردن این مفاهیم زورگویی، سلطه‌طلبی، بی‌عدالتی از جهان، رخت برمی‌بندد و مهرورزی، صلح‌گرایی و خدمت به هم‌نوع به‌عنوان یک ارزش انسانی نهادینه می‌شود» (مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷: ۲۱ - ۲۰). بر همین مبنای نگاه این دولت مشکلات حاکم بر بشریت امروز به‌واسطه حاکمیت جهانی شدن فرهنگ است. برای ایجاد و تحقق یک آلترناتیو مناسب برای سامان زندگی توجه به موارد ذیل ضروری است:

۳-۱- سلطه‌جویی و ایجاد کانون بحران: طبق دیدگاه دولت این سیاست به‌ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم با مطرح شدن ثروت و قدرت به‌عنوان معیار اصلی در جهان، حاکم گردیده، به‌طوری‌که سلطه‌گران همواره سعی کرده‌اند از طریق فشارهای سیاسی، تبلیغاتی و اقتصادی، ایجاد بحران‌های امنیتی، تفرقه‌افکنی و اختلاف میان مردم، اقوام و قبایل در لفافه‌ی وسایل قانونی و مشروع به اهداف نامشروع خود دست پیدا کنند؛ اما این جریان باید تغییر کند. جهانی شدن فرهنگ و فناوری‌های نوین ارتباطی فرصتی است تا به مدد آن گروه‌های مختلف معترض به چنین نظامی یکدیگر را بیابند و در جبهه‌ای واحد در برابر آن بایستند. برای دولت نهم اگرچه ظهور بحران و بی‌نظمی در سیستم خود نشانه‌ای از نزدیک بودن ظهور و برقراری نظم نهایی است اما پیش‌درآمد چنین نظامی اصل خودسازمانی نظریه آشوب است.

ناکارآمدی سازمان‌های منطقه‌ای - بین‌المللی: باینکه این سازمان‌ها برای گسترش عدالت، امنیت و صلح پایدار در کشورهای جهان بنا شده‌اند، اما به دلیل تأثیرپذیری از عنصر قدرت و زور محوری حاکم بر جهان، کارایی و عمل کردن به وظیفه‌ی اصلی خود را فراموش کرده‌اند؛ به‌طوری‌که شورای امنیت به‌عنوان ضامن صلح و امنیت برای همه‌ی کشورها، از طریق استفاده از حق وتو خود آفریننده‌ی بی‌عدالتی محض و تضييع حقوق مسلم ملت‌ها گردیده است. شرایط کنونی نشان می‌دهد اصل خودمانایی اشاره‌شده در نظریه آشوب به‌خوبی در جهان آشوب‌زده یادکرده روزنا خودنمایی می‌کند. در حقیقت هرکدام از اجزای سیستم خصلت‌های کل سیستم را به خود گرفته و به‌سوی مقصد واحدی (مقاصد غرب) حرکت می‌کنند. حال آنکه

چنین نظامی به عقیده دولت نهم و حامیان آن مطلوب نیست و باید فروریخته شود. هجوم و هجمه سازمان یافته به ارزش های الهی - انسانی با حاکمیت فرهنگ سرمایه داری: طبق دیدگاه های دولت نهم «بارزش ترین و مقدس ترین بنیاد انسانی، نهاد خانواده است که کانون پاک عشق، صمیمیت و محیط امن برای تربیت نسل های آینده بشری و بستر شکوفایی عاطفه ها و استعدادها است، امروزه شاهد یک هجمه ی سازمان یافته از ناحیه ی دشمنان انسانیت و چپاولگران اقتصادی از طریق سبک زندگی مادی گرا با قدرت رسانه و ثروت جهت فروپاشی این نهاد اصیل هستیم» (مرکز پژوهش های اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۹: ۱۸۶ - ۱۸۳) در نهایت هدف اصلی، استحاله ی فرهنگ های بومی - سنتی و تغییر خودباوری و عزت نفس، ترویج روحیه - تقلید گرایی و مصرفی به عنوان یک ارزش در میان ملت ها است تا زمینه چپاول و غارت مستقیم و غیره مستقیم منابع طبیعی و انسانی را در این کشورها مهیا کنند. اگرچه چنین مقصودی هیچ گاه به زبان آورده نمی شود اما از آنجایی که طبق نظریه آشوب تمامی اجزاء یک سیستم یک هدف واحد را پی می گیرند و حتی در صورت نقص یکی از اجزاء، سایرین نبود آن را جبران می کنند جهان به سوی چنین مقصدی در حال حرکت است؛ بنابراین باید این نظم نامطلوب را بانظمی جدید جایگزین ساخت و برای این کار مرحله اول بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای شفاف سازی واقعیت ها و مرحله دوم بسیج گروه های مختلف در سراسر جهان است. برای انجام این کار هیچ جای نگرانی نیست زیرا طبق دیدگاه روزنا جهانی شدن فرهنگی هر دو ابزار را در اختیار نسل کنونی قرار داده است.

گسترش فقر، بی سوادی، فاصله فقیر و غنی و محرومیت از بهداشت در اغلب نقاط جهان: درحالی که نزدیک به ۷۰ تا ۸۰ درصد منابع طبیعی - انسانی و سایر معادن زیرزمینی و قیمتی در سه قاره ی آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا قرار گرفته است اما به یغما بردن این منابع توسط قدرت های چپاولگر به صورت مستقیم و غیره مستقیم روزبه روز فاصله ی فقیر و غنی در سطح جهان گسترش می یابد. طبق آمارهای منتشر شده توسط سازمان ملل روزانه حدود ۱۰۰ میلیون نفر گرسنه بر بالین می گذارند و ۹۸۰ میلیون نفر در فقر مطلق اند، نسبت بر خورداری میان فقیر و غنی در برخی نقاط به ۴۰ برابر رسیده است یک سوم مرگ و میر در جهان یعنی روزانه ۵۰ هزار نفر ناشی از عوامل مربوط به فقر است (محمودی رجا، ۱۳۹۳: ۹۷) همه این شرایط گویای بی نظمی رخ داده در سیستم است. بی نظمی که اگرچه شرط لازم ظهور منجی است اما برای مقابله با آن باید به پا خاست و سکوت نکرد. بر همین اساس باید اصلاح ساختار سازمان ملل و تبدیل آن به یک سازمان روزآمد کاملاً مردمی، بی طرف، مؤثر در مناسبات جهانی، اصلاح روابط اقتصادی، اخلاقی و ساختار فرهنگی بر مبنای احترام هویت ها، ارزش ها و سنت های بومی

- محلی و انسانی به‌عنوان ستون فقرات جامعه‌ی سعادت‌مند که می‌توانند کمال و تعالی انسان‌ها، شکوفا شدن استعدادها و ر و تضمین زندگی مرفه برای نسل‌های آینده را تأمین کند، مهیا گردد (سخنان احمدی‌نژاد مجمع عمومی سازمان ملل: ۸۸/۷/۲). طرح دیدگاه‌های متنوع فوق از سوی دولت نهم باعث گردیده تا از فضای تنوع و تکثر شکل‌گرفته در گروه‌های مختلف در کشورهای گوناگون برای یارگیری استفاده نموده و جبهه ضد سرمایه‌داری و ضد لیبرالیستی خود را تقویت نماید. حمایت و پوشش رسانه‌ای پرس تی وی ایران از جنبشش ۹۹ درصدی وال استریت آمریکا به‌عنوان نمادی از مخالفت با جهانی‌شدن در همین راستا صورت می‌گرفت.

### کاهش اقتدار رهبران گروه‌های سیاسی - اجتماعی

جهانی‌شدن بیش از هر چیز اقتدار دولت‌ها را به فرسایش برده است. دیگر دولت‌ها همچون گذشته مرجع یگانه امور نیستند. نه تنها دولت‌ها در عرصه داخلی توان کنترل همه امور را ندارند حتی قدرت‌های بزرگ نیز قادر به کنترل همه شرایط نیستند. به گفته روزنا اگر سیاست را مجموعه فعالیت‌هایی بدانیم که در آن یک بازیگر - شهروند، سیاستمدار، تروریست، گروه نفوذ، دستگاه دیوان‌سالاری، حکومت، کشور، کارگزاری فرامرزی یا سازمان‌های بین‌المللی - سعی در تغییر دادن یا حفظ الگوی رفتاری دیگرانی دارد که از نظر کارکردی با او فاصله دارند در این صورت بررسی دقیق شکل‌های مختلف این گونه فعالیت‌ها و انواع پاسخ‌هایی که برمی‌انگیزند، حائز اهمیت است. این تعاملات را می‌توان مناسبات کنترل نامید (روزنا، ۱۳۸۴: ۲۵۳) این کنترل در جهان آشوب‌زده کنونی در حال از دست رفتن است. رفتارهای ایران در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد مصداق بارز از دست رفتن مناسبات کنترل و کاهش اقتدار است. از نگاه این دولت، نظام بین‌الملل، یک نظام هرج و مرج، قدرت طلب و ثروت محور است که فاقد هرگونه اقتدار مرکزی جهت کنترل رفتار و کردار دولت‌های سلطه‌گر است؛ بنابراین هنجارهای حاکم را کاملاً ناعادلانه، نامشروع و نماد عینی تبعیض، نژادپرستی در راستای تأمین منافع و اهداف کشورها و گروه خاصی می‌داند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۳۷). در همین رابطه رئیس دولت معتقد است «تمامی ساختار سازمان ملل می‌بایست با حساسیت ویژه، با ویروس مخرب یک‌جانبه‌گرایی مقابله نماید؛ امروزه امنیت روانی و زیستی ملت‌ها بیش از گذشته به مخاطره افتاده است؛ ترکیب شورای امنیت باید از توازن منطقی و دموکراتیک برخوردار شود و در صورت پذیرش اصل عضویت دائم تعدادی از کشورها از همه‌ی قاره‌ها، صلح و آزادی واقعی بر جهان حکمفرما می‌شود» (غریبی، ۱۳۸۷).

در نوع نگرش حاکم بر ذهنیت رئیس دولت نهم و دهم عدالت محوری یک نظریه‌ی



آرمان‌گرایانه نیست بلکه این مؤلفه با هست‌ها و بایدها سروکار دارد و با این مفهوم است که درک روابط بین‌الملل امکان‌پذیر می‌گردد؛ از همین رو در اغلب سخنرانی‌های داخلی و خارجی خود عدالت را یک اصل بنیادین، نقطه اتکا و امید ملت‌ها، مشارکت و تفاهم ملت و دولت‌ها جهت حاکم کردن صلح و آرامش جهانی، نظم پایدار، از بین رفتن ریشه سلطه‌گری در نظر داشت (همان: ۱۴۲ و سخنرانی احمدی‌نژاد در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۳۸۴) اما باید گفت به اعتقاد رئیس دولت نهم این رویه به معنای استقبال از ستیز با نظام بین‌الملل نیست، بلکه برعکس به منزله افزایش تعامل با دنیای خارج و ایجاد ائتلاف برای تعمیق عدالت در عرصه روابط بین‌الملل، نفی یک‌جانبه‌گرایی، زور محوری و حاکم کردن روابط صلح‌آمیز و احترام متقابل به حقوق و حاکمیت یکدیگر در سطح منطقه و جهان است (صادقی، ۱۳۸۸: ۳۰۳). وی در همین رابطه می‌گوید «در ابتدا سازمان ملل به‌عنوان یک‌نهاد فراملی در جهت تحقق عدالت، صلح، آزادی تأسیس شد تا در سایه آن پیشرفت، رفع فقر و محرومیت، بحران‌ها و سایر تبعیض‌های سیاسی - اجتماعی برای همگان محقق گردد اما؛ این آرمان نه تنها محقق نگردید بلکه طبق آمارهای سازمان‌های جهانی روزبه‌روز بر تعداد فقیران افزون و اقلیت ثروتمند روزبه‌روز ثروتمندتر می‌گردند، چنانچه حدود سه میلیارد نفر در جهان باروزی کمتر از ۲/۵ دلار و بیش از یک میلیارد آن بدون حتی یک وعده‌ی غذا در روز زندگی می‌کنند، ۴۰ درصد فقیرترین جمعیت جهان ۵۵ درصد درآمد ۲۰ درصد ثروتمندترین افراد ۷۵ درصد درآمد دنیا را در اختیاردارند و هزاران موارد دیگر؛ در نتیجه باید ریشه‌یابی شود که علت چیست و راه‌حل کدام‌اند» (مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۴۰ - ۴۱).

اگر در قرن ۱۸ و ۱۹ یکی از بازیگران درجه دو یا سه جهان رفتارهایی مشابه ایران امروزی از خود بروز می‌داد واکنش تند و خشن انگلستان را به‌عنوان ابرقدرت وقت تجربه می‌کرد؛ اما امروزه شاهد آن هستیم که هیچ‌یک از تلاش‌های آمریکا برای فشار بر ایران نتوانسته تغییری در رفتار ایران ایجاد نماید. در مورد اصرار دولت محمود احمدی‌نژاد بر اقدامات مقاومت محور به‌رغم شدیدترین فشارها تحلیل‌های گوناگونی صورت گرفته است. اغلب تحلیل‌گران هنجارها و آموزه‌های الهام گرفته از فرهنگ اسلامی - شیعی و ایستارها و ادراکات موجود در فرهنگ سیاسی ایران را عنصر پررنگ می‌دانند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۱۶۱ - ۱۵۵) از سوی دیگر گروهی عوامل منطقه و بین‌المللی چون اشغال افغانستان و عراق، جنگ‌های حزب‌الله و حماس با اسرائیل و مطرح شدن بعد فرهنگی یا جنگ نرم در سطح بین‌الملل را مطرح می‌کنند (محمودی رجا، ۱۳۹۳: ۹۰ - ۸۷). برخی دیگر اصرار دارند در عصر حاضر که آنا‌رشی بر روابط بین‌الملل حاکم است و هیچ اقتدار مرکزی جهت تضمین و اجرای قوانین و هنجارهای بین‌المللی وجود ندارد تنها رویکرد مقاومت محور و

تقابلی با همکاری همه‌ی مردم است که می‌تواند حقوق، پیشرفت و دستاوردهای قوی جهت تثبیت و تداوم نظام در برداشته باشد (دلاور پور ۱۳۸۷: ۲۵ - ۲۰). پذیرش هر کدام از تحلیل‌های فوق تغییری در نتیجه حاصل نخواهد کرد و آن اینکه طبق اصل «کاهش نقش رهبران گروه‌های سیاسی» در عصر آشوب‌زده (که روزنا بر آن تأکید می‌ورزد) احمدی‌نژاد مخاطبان اصلی خود را صرفاً در رهبران جهان جستجو نمی‌کرد او خود را به توده‌ها نزدیک می‌کرد و سعی می‌نمود در کلیه فرصت‌های حاصل شده در سفرهای خارجی ارتباط مستقیم با ملت‌ها برقرار نماید؛ زیرا این توده‌های ضعیف و فقیر جهان هستند که نظم مطلوب آینده را خواهند ساخت و از جهانی شدن فرهنگی بیشترین آسیب را دیده‌اند.

### تعدد نقش‌های افراد

به گفته روزنا «هر چه جامعه‌ای که افراد در آن به سر می‌برند، صنعتی‌تر و پیچیده‌تر باشد، تعداد نقش‌هایی که بر عهده‌دارند بیشتر و احتمال تعارض و همپوشی میان نقش‌های آنان فزون‌تر خواهد بود. بر این اساس پویس‌های دوران پسا صنعتی موجب تغییر سمت‌گیری‌های شهروندان شده و آنان را در کانون صحنه جهان جای‌داده است. تلاقی نقش‌هایی که اولویت‌ها و پایبندی‌های متعارضی را از شهروندان طلب می‌کند سبب شده آنان پا به عرصه‌ای گذارند که فرایندهای آبخارگون آشوب در آن در حال شکوفایی است. در عمل افراد چه در مقام عضو گروه‌ها و چه در مقام شهروند به عرصه نبرد و رقابت دولت‌ها، حکومت‌ها، گروه‌های فراملی، سازمان‌های بین‌المللی، رژیم‌ها و اتحادیه‌های فرامرزی بر سر جلب پشتیبانی و وفاداری آنها مبدل شده‌اند؛ از همین رو هر یک از این رقبا گزینه‌هایی را پیش روی آنها می‌گذارند که به راحتی نمی‌توان نادیده‌شان گرفت و هم به کار اندازه‌گیری دگرگونی جهانی می‌آیند و هم چالشی برای ثبات جهانی هستند» (روزنا، ۱۳۸۴: ۲۹۰). گذشته از شهروندان عادی مقام‌های عمومی و رؤسای سازمان‌های خصوصی هم نقش‌های متعددی بر عهده‌دارند. افزون بر نقش‌هایی که در مقام شهروند دارند، جایگاه رسمی‌شان آنها را واجد مسئولیت‌هایی در انواع نظام‌ها و خرده نظام‌ها می‌کند، مسئولیت‌هایی که هم می‌توانند با یکدیگر همپوشی داشته باشند و هم غیرقابل جمع باشند (روزنا، ۱۳۸۴: ۲۹۱) دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد را مصداق بارز گفته فوق روزنا می‌توان ذکر کرد. ما با ریاست جمهوری روبرو هستیم که خود را یک اصول‌گرا، انقلابی، ارزشی و متعهد به آرمان‌های امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی می‌داند از چنین رئیس‌جمهوری انتظار می‌رود به نسبت سلف پیشین خود- سید محمد خاتمی- تعارض بیشتری نسبت به جهانی شدن فرهنگی نشان دهد و با مصداق‌های آن در جهان همچون مشروع جلوه دادن فرقه‌ها و مذاهب

خودساخته، توهین به مقدسات به بهانه آزادی بیان، رواج مصرف‌زدگی به استدلال حق انتخاب و حیات و... پاسخ مناسب دهد. از سوی دیگر طبق قانون اساسی ایران ریاست جمهوری موظف است به واسطه نقشی که برعهده گرفته اصول ۱۵۰ تا ۱۵۴ قانون اساسی را در سیاست خارجی پیاده سازد. این اصول حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، صدور انقلاب، مبارزه با ظلم و... را از رئیس‌جمهور مطالبه می‌نماید. مواردی که سیاست خارجی دولت را به رویارویی با سلطه‌جویی امریکا در جهان، ظلم اسرائیل بر فلسطینی‌ها، حمایت از مردم شیعه بحرین در برابر دولت اهل تسنن حاکم بر آنها و... سوق می‌دهد. بر همین اساس ایران در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله، جنگ ۲۲ و ۸ روزه حماس علیه اسرائیل، به شدت و جدت از آنها حمایت کرد. احمدی‌نژاد در این باره می‌گوید: «ما همواره باید کنار مظلوم باشیم، ما با مناسبات موجود حاکم بر جهان مخالفیم، هر جا نظام ظالمانه‌ای در تمام ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی باشد، ما نمی‌توانیم با آن کنار بیاییم» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۰۷).

هم‌زمان دولت با فشار تحریم‌ها بر دولت خود به واسطه سیاست‌هایی که در پیش گرفته مواجه است و مشاورینی همچون اسفندیار رحیم‌مشایی را در کنارش دارد که از دوستی با ملت اسرائیل سخن می‌گویند! و برای برقراری روابط با امریکا به افراد و بازیگرانی همچون هوشنگ امیر احمدی توسل می‌جویند. این تناقض نقش‌ها همان‌جایی است که روزنا از آن به‌عنوان نقطه آشوب نام می‌برد. به عقیده وی «ازجمله شرایطی که موجب بروز آشوب می‌شود، وجود سناریوها یا نقش‌مایه‌های تردید‌آمیز و متعارض است. در هر جمع قطع‌نظر از اینکه گروهی کوچک باشد یا شهر یا دولتی ملی یا نظامی بین‌المللی، ازجمله پیوندهایی که جمع را منسجم نگه می‌دارد و آن را قادر به بازتولید خود می‌سازد مجموعه‌ای از کنش‌نامه‌های مشترک است که مشخص می‌کند چه کسانی در جمع از مشروعیت و اقتدار برخوردارند و هنگام اعمال اقتدار، همه طرف‌های ذی‌ربط باید چگونه از خود واکنش نشان دهند و عملاً چگونه این کار را خواهند کرد؛ ولی وقتی مشروعیت در تردید قرار گیرد کنش‌نامه‌ها وارد خودآگاه افراد می‌شود و نقش‌هایی مطرح می‌شود که متضمن عدم متابعت و تغییر حس مشروع انگاری است. در این مرحله ممکن است جمع دچار بحران شود؛ زیرا مبنای اصلی سازمان‌دهی تلاش‌هایشان متزلزل گردیده و این امر منجر به بروز تنش‌هایی شده که خود را به کنش‌نامه‌های دیگر جمع‌ها تحمیل می‌کنند» (روزنا، ۱۳۸۴: ۲۹۹). این تنش‌ها به‌خوبی در رفتار دولت نهم و دهم مشاهده می‌شود درعین حال که دولت شعار مقابله با جهانی‌شدن فرهنگی سر می‌دهد گاه اظهاراتی را بیان می‌دارد که چندان سنخیتی با شعارهایش ندارد.

### نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن به‌عنوان یک پارادایم اصلی در سطح جهان مطرح گردیده است. اغلب شالوده‌ی اصلی این جریان را فرهنگی می‌دانند؛ چراکه سایر ابعاد در صورت تحقق این بعد فراهم می‌گردند. این جریان مدعی جهانی‌شدن اندیشه، فکر و فرهنگ‌ها و پایان پذیرفتن دوران انحصارمحوری و برتری ذاتی یک فرهنگ بر سایرین و از سوی دیگر فراهم شدن بستر مناسب برای حضور و نشوونمای همه‌ی فرهنگ و هویت‌هاست؛ اما با تحولات رخ داده در سطح جهان این تناقضات پنهان آن افشا شده است؛ همین موارد بستر لازم را برای اتخاذ رویکردهای گوناگون از سوی دولتمردان کشورها جهان فراهم کرده است. روزنا در رابطه با جهانی‌شدن از مفهوم سیاست در جهان آشوب‌زده صحبت می‌کند و معتقد است در جهان چندمرکزی و واگرا از آنجایی که برخی کشورها مناسبات حاکم بر نظام جهانی را ناعادلانه، تبعیض‌آمیز و شرایط حاکم بر جهان را آناارشی تلقی می‌کنند، در درجه اول در تلاش‌اند از طریق تشکیل ائتلاف و گروه‌های متعدد به این ساختار و اقتدار جهانی حاکم، پایان دهند؛ از سوی دیگر معتقدند در مقابل زور و جریان حاکم ناعادلانه، روابط مسالمت‌آمیز، گفت‌وگو و تعامل کارایی ندارد؛ بنابراین به رویه و هنجارهای حاکم آن‌طور که باید و شاید پایبند نیستند.

بر مبنای نوع نگاه حاکم بر جهان بینی دولت نهم و دهم، سیاست تعامل و همگرایی با جریان جهانی‌شدن امکان‌پذیر نیست چراکه در جریان حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌رغم تمامی اقدامات مثبت از سوی مقامات ایران در جهت محکوم کردن گروه تروریستی، اعلام آمادگی هرگونه کمک برای دستگیری آن‌ها، اتهامات سه‌گانه پرورش‌دهنده و حامی اصلی تروریسم منطقه‌ای - بین‌المللی، مخالفت با روند صلح در خاورمیانه و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی بازخورد آن در سطح جهان و منطقه بوده است؛ از سوی دیگر دنیای غرب همواره با مطرح کردن نقض حقوق بشر در ایران، اقدامات دست‌جمعی و هماهنگ شده در قالب تحریم‌های شدید و ظالمانه سعی کرده‌اند حرکت و مسیر پیشرفت و توسعه‌ی کشور را متوقف کنند؛ از همین رو ضرورت تحقق و ایجاد یک آلترناتیو قوی و جدید در داخل و خارج برای تغییر وضع موجود ضروری است. این دولت تلاش کرد قوانین و قواعد حاکم بر جهان را بر مبنای نگاه هویت‌محور انقلابی - اسلامی با مؤلفه‌هایی چون: ایستادگی، عدالت‌محوری، دفاع از مظلومین جهان، مبارزه با استکبار و استعمار جهانی، عدم اعتماد به غرب، مصلحت‌محوری، استقلال‌خواهی، ناعادلانه و تبعیض‌آمیز جلوه دهد و برای اصلاح و تغییر وضع موجود، عدالت و مدیریت جهانی را مطرح کرد، بنابراین نسبت به ساختارهای کلان بین‌الملل رویکرد واگرایی و تقابلی را اتخاذ نمود. مطابق نظریه آشوب اگرچه دولت نهم شرایط کنونی ناشی از جهانی‌شدن فرهنگ را به‌سوی بی‌نظمی و هرج‌ومرج می‌بیند اما در دل این بی‌نظمی حداقلی از نظم قابل مشاهده است.

## منابع

## الف) فارسی

- پورپاشا کاسین، علی. (۱۳۸۶). «ایران در راه جهانی شدن، سودها و زیان‌ها». *اطلاعات سیاسی اقتصادی سال بیست و دوم*. شماره اول.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۶). سخنرانی در جمع مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۸۶/۵/۳۰. روزنامه ایران، ۳۱ مرداد ۷۶.
- دلاورپور اقدم، مصطفی. (۱۳۸۷). *ایران و مسئله هسته‌ای*. تهران: مطالعات راهبردی.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۰). *درآمدی بر سیاست خارجی احمدی‌نژاد*. تهران: شرکت انتشارات علمی - فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و علیرضا فیروزی. (۱۳۹۱). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی». فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، تابستان ۱۳۹۱، شماره دوم.
- رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۰). *هویت و سیاست هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- روزنا، جیمز. (۱۳۸۴). *آشوب در سیاست جهان*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: روزنه.
- سخنرانی احمدی‌نژاد. (۱۳۸۴/۶/۲۶). شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل: ۱۳۸۵/۶/۲۹.
- سخنرانی احمدی‌نژاد. (۱۳۸۵). در اجلاس فلسطین - صهیونیسم و نژادپرستی کشورهای شرکت‌کننده در تهران ۱۳۸۵/۱/۲۸.
- سخنرانی احمدی‌نژاد. (۱۳۸۵). در دیدار با اندیشمندان شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی بررسی هولوکاست (تهران): ۱۳۸۵/۹/۲۱.
- سخنرانی احمدی‌نژاد. (۱۳۸۸). در شصت و چهارمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل: ۱۳۸۸/۷/۲.
- سخنرانی احمدی‌نژاد. (۱۳۸۷). در شصت و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل: ۱۳۸۷/۷/۳.
- سخنرانی احمدی‌نژاد. (۱۳۹۰). در شصت و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان: مشارکت همگانی در مدیریت جهان: ۱۳۹۰/۶/۳۱.

- سخنرانی احمدی‌نژاد. (۱۳۹۰). در شصتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل ۱۳۹۰/۶/۳۱.
- سخنرانی احمدی‌نژاد. (۱۳۸۹). در کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای (تهران): ۱۳۸۹/۱/۲۸.
- سخنرانی احمدی‌نژاد. (۱۳۸۶). در شصت دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل: ۱۳۸۶/۷/۴.
- سلیمانی، رضا. (۱۳۸۸). سیاست خارجی دولت خاتمی؛ دیپلماسی تنش‌زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها. تهران: کویر.
- سینایی، وحید و غلامرضا ابراهیم‌آبادی. (۱۳۸۳). «جهانی‌شدن و کثرت‌گرایی». فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۱ شماره ۴۳.
- شهرام نیا، سید امیر مسعود. (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران. تهران: نشر نگاه معاصر.
- غریبی، سعید. (۱۳۸۷). «سیاست خارجی احمدی‌نژاد». دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین. سایت مقالات علمی ایران در آدرس <http://www.articles.ir/article2453.asp>
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). جهانی‌شدن فرهنگ. هویت. تهران: انتشارات نی.
- محمودی رجا، سید زکریا. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل رویکرد دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد در قبال جهانی‌شدن فرهنگ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست جمهوری. (۱۳۸۷). دولت ایرانی - اسلامی؛ سیری در مبانی و مؤلفه‌های تکوین دولت بومی در آراء دکتر احمدی‌نژاد. تهران: نشر مرکز اسناد ریاست جمهوری.
- مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست جمهوری. (۱۳۸۷). عدل و صلح گفتارهای رئیس‌جمهور در چهارمین سفر کاری به آمریکا با مقدمه پروفسور سید حمید مولانا. تهران: نشر جمهور.
- مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست جمهوری. (۱۳۸۹). گفت‌وگو عدالت در جهان جدید؛ مجموعه سخنرانی‌های محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل و کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح. تهران: نشر جمهور ایران.
- مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست جمهوری. (۱۳۹۰). مشارکت همگانی در مدیریت جهانی (مجموعه سخنرانی‌های رئیس‌جمهور ایران، محمود احمدی‌نژاد در هفتمین سفر به نیویورک). تهران: نشر جمهور ایران.
- مسعودنیا، حسین. (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن و ادیان توحیدی، فرصت‌ها و چالش‌ها». فصلنامه راهبرد. شماره ۵۵.
- مصاحبه محمود احمدی‌نژاد با هفته‌نامه نیویورک‌تایمز (نیویورک) مبنی بر مشارکت ملل

برای صلح جهانی: ۱۳۹۰/۶/۲۹.

- مصاحبه احمدی نژاد با سردبیران و مدیران ارشد آسوشیتدپرس (نیویورک): ۱۳۹۰/۷/۱.
- مصاحبه احمدی نژاد با شبکه رادیویی NPR نیویورک مبنی بر رمزگشایی از سیاست: ۳۸۷/۷/۱.
- مگداف، هری و دیگران. (۱۳۸۰). *جهانی شدن با کلام هدف*. ترجمه ناصر زرافشانی. تهران: نشر آگاه.
- مواضع محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران در موضوع هسته ای ۱۵ مرداد ۱۳۸۹.
- مولانا، حمید و منوچهر محمدی. (۱۳۸۷). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد*. تهران: نشر دادگستر.
- نش، کیت. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن سیاست، قدرت*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.
- ادگار، مورن. (۱۳۸۸). *درآمدی بر اندیشه پیچیده*. ترجمه افشین جهانزاده. تهران، نشر نی.
- استیسی، رالف. (۱۳۸۷). *مدیریت بر ناسناخته‌ها*. مترجمان: محسن قدمی و مسعود نیازمند. تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- الوانی، سید مهدی و حسن دانایی فر. (۱۳۸۷). «تصمیم‌گیری از نگاه نظریه آشوب». *تحول داری*. دوره ۵ شماره ۲۱.
- برچر، مایکل. (۱۳۸۲). *بحران در سیاست جهان - یافته‌ها و مطالعات موردی*. ج ۲، ترجمه حیدر علی بلوچی. تهران: مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، رادفر، فیروزه. (۱۳۸۸). «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم» فصلنامه دانش سیاسی. سال پنجم. شماره اول. تابستان ۱۳۸۸.
- رضایی نبرد، امیر. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیرات جهانی شدن بر هنر معاصر غرب از ۱۹۶۰ تا زمان حال حاضر». *مطالعات راهبردی جهانی شدن*. سال سوم. شماره سوم. پیاپی ۶.
- صادقی، زهرا. (۱۳۸۸). «تبیین دو مفهوم صلح و عدالت و جایگاه آن در سیاست خارجی دولت نهم». *فصلنامه راهبرد یاس*. شماره ۱۷: ۲۹۰ - ۳۱۱.

#### (ب) انگلیسی

- Castells, M. (1997). *The Power of Identity*. Oxford: Blackwell.
- Rosenau, J. (1990), *The Scientific Study of Foreign Policy*, London: Frances Printer